خبر

نقش اصحاب در انتقال معارف ائمه

کتاب «تحلیل تاریخی اندیشه اجتهادی اصحاب ائمه(ع)» اثر محمدفرقان گوهر است که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه و به همت نشر این پژوهشگاه در ۳۹۴ صفحه به چاپ رسیده است. اهل تحقیق و پژوهش، در طول تاریخ، بیشتر به‌واسطه بودن اصحاب ائمه(ع) در انتقال حدیث نگریسته‌اند و کمتر ایشان را اندیشمندانی با نگرش فقهی معین و اندیشه کلامی مستقل و نقادان میراث حدیثی تلقی کرده‌اند. اثر حاضر کاوشی است ابتدایی اما بنیادین با سازوکاری تاریخی و روشمند برای تبیین نگرش اجتهادی دانشمندانی مانند زراره (متوفی ۱۴۸ قمری)، هشام‌بن حکم (متوفی ۱۷۹ قمری)، یونس‌بن عبدالرحمان (متوفی ۲۰۸ قمری) و فضل‌بن شاذان (متوفی ۲۶۰ قمری) در عرصه‌های فکری-فرهنگی و طرح این نگرش به‌عنوان پدیده‌ای که در یک ساختار اجتماعی معینی ظهور و بروز یافته و آثاری از خود به‌جا گذاشته است. کتاب حاضر می‌تواند با انعکاس فضایی توسعه‌گرایانه از دوران ائمه(ع) نگاه ما را به اندیشه‌های شیعی آن دوره و نحوه انتقال میراث حدیثی شیعه تغییر دهد. این کتاب در پنج فصل تحت عناوین کلیات، بسترهای فکری-فرهنگی اجتهاد در جهان اسلام، دلایل اجتهاد اصحاب ائمه(ع)، عرصه‌های اجتهاد اصحاب و ائمه(ع) و پیامدهای اجتهاد و نگاه ائمه(ع) به آن تألیف شده است.

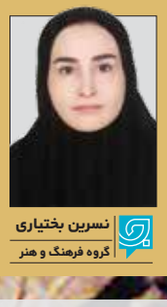




شور عاشقی؛ هشدار

کارگردان «شور عاشقی» عقیده دارد در زمان حاضر است که امام حس

داریوش یاری کارگردانی است که عشق خود را به امام حسین(ع) با فیلم‌های مختلفی مانند «دخیل»، «هاتف» و «کربلا جغرافیای یک تاریخ» نشان داده است. این کارگردان بار دیگر با فیلم «شور عاشقی» که برای اولین‌بار در جشنواره فیلم فجر سال گذشته نمایش داده شد، این علاقه را ثابت کرد و این روزها همزمان با محرم شور عاشقی بر پرده سینماست. این فیلم، درباره کاروان اسرای کربلاست که از کوفه تا شام حرکت می‌کنند و سلما (شهره موسوی) زنی است که مأمور می‌شود زبان گویای کاروان اسرای کربلا و زینب(س) باشد و با آگاهی‌دادن به آدم‌هایی که شمر (پیام احمدی‌نیا) آنها را فریب داده، حقیقت را روشن کند. همین موضوع بهانه خوبی شد تا در جام‌جم میزبان این کارگردان و برخی بازیگران این فیلم باشیم و درباره این فیلم گفت‌وگو کنیم.



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

فیلم شما در ابتدا «پس از واقعه» نام داشت چرا به شور عاشقی تبدیل شد؟

نام این فیلمنامه از آغاز نگارش شور عاشقی بود. در زمان پیش‌تولید انسان بزرگواری فیلمنامه را خواند و به سمتی رفتیم که نام فیلم پس از واقعه باشد. اصلا ترسی نداشتم که تشابه اسمی میان فیلم «روز واقعه» و «پس از واقعه» باشد. اتفاقا به لحاظ استراتژیک دوست داشتم این‌طور احساس شود که سینمای ایران هم ارادت خود را به روز واقعه و پس از واقعه نشان داده است. بعدها که توفیق همکاری با آن شخص حاصل نشد، به‌آرامی به خانه اول و شور عاشقی برگشتیم.

شما تا به‌حال فیلم‌های مختلفی با مضمون عاشورا ساخته‌اید. علت این‌که به تعبیر خودتان این فیلم‌ها با زلف امام حسین(ع) گره بخورد، چیست؟

این مهم‌ترین سؤال شما در رابطه با من و اثر است. خیلی خوب است سینماگرانی داشته باشیم که صاحب یک اندیشه و دیدگاه باشند؛ یعنی در حوزه فیلم‌هایی که می‌سازند، مؤلف باشند، بخشید که از واژه مؤلف استفاده می‌کنم، چون کلمه سنگینی است. اتفاق خوبی است روی حوزه‌ای که به‌طور جدی پژوهش کردم و نسبت به آن دغدغه دارم، کار کنم و همان به زبان مشترک من با مخاطب تبدیل شود. در حال حاضر جای خالی فیلم‌های دینی و تاریخ اسلام با محوریت مفاهیم عاشورایی را احساس می‌کنیم. کسی روی این مسائل کار نمی‌کند و روی زمین مانده و احساس کردم حیف است که این پرچم روی زمین بماند. به‌دلیل این‌که روی این موضوع کار مطالعاتی جدی انجام دادم، تصمیم گرفتم به میدان بیایم. به همین دلیل است برای تلویزیون که مستند ساختم، سر از مجموعه «اهل سوگ» درآوردم. در جایی دیگر دنبال پژوهش درباره تاریخ معماری تمدن اسلامی نوظهور بودم اما به یکباره سر از «کربلا جغرافیای یک تاریخ» درآوردم. در فیلم «خانه‌ای روی تپه» تهیه‌کننده وسط پروژه آمد و گفت این سکانس‌هایی که گرفتی داخل فیلم نیست و قرار نبود اینجا هیأت امام حسین(ع) باشد و تو اورا به امام حسین(ع) وصل کنی، اما این جهان یک آدم است که نمی‌تواند آن را انکار کند. اصلا برای چه باید این جهان را انکار کند؟... ما باید عاشقی را در سالی فریاد بزنیم و این پرچم را بلند کنیم که مخاطبان به‌دلیل نگاه غلط برخی، دل آزرده‌اند.

شما تا به‌حال فیلم‌های مختلفی با مضمون عاشورا ساخته‌اید. علت این‌که به تعبیر خودتان این فیلم‌ها با زلف امام حسین(ع) گره بخورد، چیست؟

این مهم‌ترین سؤال شما در رابطه با من و اثر است. خیلی خوب است سینماگرانی داشته باشیم که صاحب یک اندیشه و دیدگاه باشند؛ یعنی در حوزه فیلم‌هایی که می‌سازند، مؤلف باشند، بخشید که از واژه مؤلف استفاده می‌کنم، چون کلمه سنگینی است. اتفاق خوبی است روی حوزه‌ای که به‌طور جدی پژوهش کردم و نسبت به آن دغدغه دارم، کار کنم و همان به زبان مشترک من با مخاطب تبدیل شود. در حال حاضر جای خالی فیلم‌های دینی و تاریخ اسلام با محوریت مفاهیم عاشورایی را احساس می‌کنیم. کسی روی این مسائل کار نمی‌کند و روی زمین مانده و احساس کردم حیف است که این پرچم روی زمین بماند. به‌دلیل این‌که روی این موضوع کار مطالعاتی جدی انجام دادم، تصمیم گرفتم به میدان بیایم. به همین دلیل است برای تلویزیون که مستند ساختم، سر از مجموعه «اهل سوگ» درآوردم. در جایی دیگر دنبال پژوهش درباره تاریخ معماری تمدن اسلامی نوظهور بودم اما به یکباره سر از «کربلا جغرافیای یک تاریخ» درآوردم. در فیلم «خانه‌ای روی تپه» تهیه‌کننده وسط پروژه آمد و گفت این سکانس‌هایی که گرفتی داخل فیلم نیست و قرار نبود اینجا هیأت امام حسین(ع) باشد و تو اورا به امام حسین(ع) وصل کنی، اما این جهان یک آدم است که نمی‌تواند آن را انکار کند. اصلا برای چه باید این جهان را انکار کند؟... ما باید عاشقی را در سالی فریاد بزنیم و این پرچم را بلند کنیم که مخاطبان به‌دلیل نگاه غلط برخی، دل آزرده‌اند.

فیلم شما در ابتدا «پس از واقعه» نام داشت چرا به شور عاشقی تبدیل شد؟

نام این فیلمنامه از آغاز نگارش شور عاشقی بود. در زمان پیش‌تولید انسان بزرگواری فیلمنامه را خواند و به سمتی رفتیم که نام فیلم پس از واقعه باشد. اصلا ترسی نداشتم که تشابه اسمی میان فیلم «روز واقعه» و «پس از واقعه» باشد. اتفاقا به لحاظ استراتژیک دوست داشتم این‌طور احساس شود که سینمای ایران هم ارادت خود را به روز واقعه و پس از واقعه نشان داده است. بعدها که توفیق همکاری با آن شخص حاصل نشد، به‌آرامی به خانه اول و شور عاشقی برگشتیم.

اتفاقا امام حسین(ع) الان دنبال یار و رفیق می‌گردد و همین موقع است که صدای «هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنی» را می‌شنوم و احساس می‌کنم باید بگویم لبیک یا حسین(ع).

واکنش من نسبت به مهم‌ترین اتفاقات جامعه این‌گونه و با ساخت فیلم است. در یک مقطع مهم تاریخی، اتفاقی در کشورم می‌افتد و می‌بینم تا چه اندازه مرز بین دروغ و راست درهم تنیده شده و انسان نمی‌تواند فاصله بین حقیقت و دروغ را تشخیص دهد. گاهی با صدای بلند فریاد می‌زنیم که سمت درست حقیقت ایستادیم، اما این‌طور نبوده و باید پیگیر حقیقت راستین باشیم. این دشت مشوش چیست؟ در این مواقع از امام حسین(ع) کمک می‌گیریم که چراغ هدایت است.

از نظر شما چطور امکان رسیدن به شناخت حقیقی در شرایط فعلی که از هر طرف در محاصره رسانه‌های مختلفیم، وجود دارد؟

همان‌طور که گفتم، ممکن است شما به‌عنوان مخاطب برای پاسخگویی به شک‌تان از جامعه‌شناس، کارشناس و رسانه‌ها کمک بگیرید، اما من سراغ حسین‌بن علی(ع) می‌روم و می‌گویم: «تو چراغ هدایتی، یک بار دیگر بر زندگی‌ام بتاب تا ببینم چه کار باید انجام دهم؟ یا حسین(ع) خودت وسط معرکه راست و دروغ بودی، زیرا در کربلا همه کسانی که فکر می‌کردیم راست می‌گویند، دروغ گفتند. یا حسین(ع) بعد از ماجرای کربلا لشکری از کاروان اسیر راه افتادند که بروند تا برخی بتوانند مردم را فریب دهند؛ اما راست و حقیقت تو بودی.»

حسین(ع) به شما می‌گوید این دعوا همیشگی است و نیاز به یک معرفت و فهم دارد که آگاه شوید. اگر آگاه شوی، فانوسی در قلبت روشن می‌شود که از جنس چراغ هدایت است. حسین(ع) اصل مأموریت هدایت در روزگار معاصر را به ما سپرده است. آدم‌های مختلفی هستند که مثال می‌زنیم و خودشان مثل او چراغ‌دار هستند. حسین(ع) مشکلاتم را با همه جفایی که در حقم شده و نمی‌توانم از آن صحبت کنم، حل می‌کند؛ چون نمی‌شود فیلمی از خاندانی بسازم که به آنها بالاترین جفا شده و بعد گوشه‌ای بایستم و بگویم به من جفا شده است. اصلا وقتی درباره خاندانی فیلم ساختید که زخم خوردند، خودتان باید از این زخم‌ها بخورید. اگر فیلم شور عاشقی را دیده باشید، صحنه‌ای در اولین شهری که کاروان وارد می‌شود، وجود دارد و یک نفر سنگی به پیشانی شخصیت زن اصلی فیلم (سلما) می‌زند. مواقعی که این صحنه را می‌بینم به خودم می‌گویم داریوش یاری! چنین سنگ‌هایی باید به پیشانی‌ات بخورد و بشکند تا در این مسیر باشی، هرچقدر این زخم‌ها وارد می‌شود، احساس می‌کنم مسیر را درست می‌روم.

اگر به فیلم‌های قبلی شما هم رجوع کنیم، زمینه مشترک بسیاری از آنها حقیقت‌طلبی، راستگویی، عدالت‌خواهی و رعایت حقوق دیگران است. دلیل تأکید شما روی این مضامین چیست؟

حسین‌بن علی(ع) سال ۶۱ هجری به شهادت رسید و تمام شد، اما به این فکر کنید او چه دارد که هر سال ۱۰ روز برایش عزاداری می‌کنید؟ می‌دانید چه دارد؟ زنده‌شدن همین مفاهیم. یک سوی میدان عباس(ع) یعنی مظهر وفای به عهد است و سوی دیگر فرماندهان سپاه شمر و بی‌وفایی به امام حسین(ع) هستند. یک سوی میدان محبت و دوستی است و یک سوی دیگر سراسر خشم. یک سوی میدان منفعت جمعی و نجات دین خدا و سوی دیگر منفعت فردی است که عمر سعد می‌خواهد در ازای به‌اصطلاح دفع شر امام حسین(ع) به حکومت ری برسد. به عبارتی همه فضایل اخلاقی در برابر زشتی‌های اخلاقی در سرزمین نینوا رودرروی هم ایستادند. کربلا دعوای آدم‌ها نیست؛ جنگ مفاهیم خیر و شر است. این مفاهیمی است که موجب آگاهی ما می‌شود و بعد از آن اجازه نمی‌دهیم هرکسی برایمان راست را دروغ جلوه دهد. به‌عنوان سینماگر باید این را جزو وظیفه بدانیم.

در هر لوکیشنی که شخصیت ما در شور عاشقی وارد می‌شود، یک نفر که حتی ممکن است قمارباز نزدیک به خلیفه باشد به رستگاری می‌رسد؛ چون در برابر زبان دروغ می‌ایستد و می‌گوید برنده کسی است که با خدا معامله کرده. لشکر سیاهی این صحبت‌ها و حقایق را نمی‌پذیرد، او کشته می‌شود و به رستگاری می‌رسد. تاریخ پر از لحظاتی است که بزنگاه‌های تاریخی در آن اتفاق می‌افتد. به همین دلیل است که بزرگان ما جمله معروف «کُلُّ یومٍ عاشُوراءُ وَ کُلُّ أرْضٍ کَرْبَلا» را می‌گویند؛ یعنی هر لحظه در شرایطی قرار می‌گیرید که باید تصمیم بگیرید بین منافع خودتان، فضیلت‌های اخلاقی و منفعت جمعی یکی را انتخاب کنید. لحظه‌ای که سراغ منفعت جمع رفتید و تصمیم به نجات کشورتان گرفتید و اجازه ندادید دروغ غلبه کند، رستگار می‌شوید. این اندیشه جاری تشیع است. جالب است که ما این فیلم را با تمام این پیش‌زمینه‌ها می‌سازیم و بعضی می‌گویند فلان بخش، خلاف تاریخ است. «این حرف‌ها را رها کنید...! کدام تاریخ...؟!»

یک نفر ما را متهم کرد بعد از عاشورا اصلا شمری نبود که بخواهد لشکری فراهم کند و کاروان اسرا را از کوفه تا شام ببرد. اول اینکه او یک بار نرفته یک کتاب تاریخ بخواند و ببیند هیچ مورخی نبود شمر را تأیید نکرده است اما من می‌گویم: «شمر! اگر نباشی هم کاروان را دستت می‌دهیم و ذلت و خواری را -در فیلم- به سرت می‌آوریم که تاریخ فراموش نکند، چه بودی!». این اندیشه سیار آیینی و فرهنگی تفکر شیعه است که کار خودش را می‌کند. نتیجه رفتار فردی که نسبت به بودن شمر در کاروان اسراخرده می‌گیرد، این می‌شود که آدم‌ها به او می‌گویند: «در هیأتی که تو تبلیغ می‌کنی، شرکت نمی‌کنیم.»

با توجه به آثاری که ساختید چقدر خودتان را در راه ساخت فیلم‌های دینی ماندگار و موفق دیدید؟

مرحوم عباس کیارستمی گفت که هیچ فیلمی در زمان خودش نمی‌تواند بگوید، موفق و ماندگار است بلکه باید برود و شلاق غبار زمان به آن بخورد. وقتی «کربلا جغرافیای یک تاریخ» را ساختم، بلایی به سرم آوردند که دو ساعت در پارک پردیسان فریاد می‌زدم و به خودم گفتم: «آخرین بارت باشد!» امروز سربلندم چون بعد از نزدیک به ۱۰ سال هنوز آن فیلم را نشان می‌دهند، درباره آن گفت‌وگو می‌کنند و از تصاویر و نریشن آن کلیپ می‌سازند و در دانشگاه‌ها در حوزه مستندسازی تدریس می‌شود. امیدوارم این اتفاق درباره شور عاشقی هم بیفتد، چون خدا را شاهد می‌گیرم، چیزی کم نگذاشتم و تمام توانم را به میدان آوردم. قرار نیست یک فیلم هالیوودی با جلوه‌های ویژه همراه با آتش، تیر و سلاخی آدم‌ها را در شور عاشقی ببینید، چون از نظر داریوش یاری جنگ و مردان جنگی در کربلا تمام شدند. اگر برای تماشای فیلمی شبیه هالیوودی‌ها می‌آیید، لطفا نیایید شور عاشقی را ببینید...! به عنوان سینماگر باید وضعیت شما را نسبت به پدیده‌ها روشن کنم و این همان چیزی است که در فیلم به آن اشاره می‌کنم.

اشاره غیرمستقیمی هم دارید که دستگاه تبلیغاتی بنی‌امیه چطور حقیقت را وارونه نشان می‌دهند که امکان مقایسه آن با شرایط امروز وجود دارد.

بله. الان مثل همان جمله فیلم باید شمشیر زبان از نیام دهان برکشید، چون دعوای دیالوگ‌ها و جنگ روایت‌هاست؛ چیزی که در یمن، غزه، فلسطین، عراق، سوریه، جریان مقاومت و حتی در آمریکا می‌بینید. شور عاشقی فیلمی است که می‌گوید باهم صحبت کنیم و ببینیم چه اتفاقی افتاد که سر مبارک حسین(ع) را بریدند و چه بلایی در جهان اسلام نازل شد که جز کشتن حسین(ع) هیچ راهی برای نجاتش نبود؛ یعنی دشت مشوشی را خلیفه‌ها در کمتر از ۵۰ سال ساختند که برای نجات دین راهی جز کشتن حسین(ع) نبود. حالا مردم! جامعه امروزتان را نگاه کنید و ببینید شبیه آن جامعه هست یا نیست...؟ اگر حضور در این فیلم‌ها چه کمکی به بازی شما در شور عاشقی کرد؟

قبل از همکاری با آقای یاری فیلم «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» را دیده بودم و این اولین تجربه همکاری‌ام با ایشان بود. وقتی فیلمنامه را خواندم، احساس کردم می‌توانم تجربه جدیدتر و مفیدتری در بازیگری داشته باشم. هر کاری تجربه‌ای برای پخته‌شدن در کار بعدی شماست، اما قضیه قرارداد بستن در شور عاشقی بیشتر به خوب‌شدن حال مادرم برمی‌گشت، چون درگیر یک بیماری و در بیمارستان بستری بود. مادرم عاشق این فضاهاست و عشق من برای همکاری به‌خاطر مادرم بود. شاید کارهای قبلی‌ام با مشورت بیشتری شکل می‌گرفت، اما شور عاشقی نسبت به بقیه کارها برایم خیلی دلی بود. به نظرم این فیلم براساس عقل و عشق شکل گرفت و در عشق هم تسلیم‌شدن اهمیت دارد. زمانی که براساس عشق مثل کار در شور عاشقی حرکت می‌کنید، باید تسلیم شوید. عبدالرحمانی که در شور عاشقی است، تسلیم خواسته‌های زنی به نام سلما می‌شود، چون دوستش دارد. این عشق زمینی به‌تدریج به اندازه‌ای پیش می‌رود که تبدیل به عشق آسمانی می‌شود و سلما را کنار می‌گذارد. در حقیقت، شخصیت عبدالرحمان در صحبت‌هایی که سلما درباره امام حسین(ع) می‌کند شکل می‌گیرد و نوعی پالایش فکری درون عبدالرحمان به وجود می‌آید.

درواقع می‌توان گفت که عبدالرحمان هم حر دوم است؟

اگر بخواهیم به گرایش او جهت دهیم، جواب مثبت است و عبدالرحمان هم حر دومی نسبت به سلماست. به نظرم واقعه جنگ را زنان معنا می‌دهند و قهرمانان اصلی واقعه عاشورا زنان هستند. وقتی سربازان در جنگ کشته می‌شوند، یک مادر می‌تواند این ماجرا را برای بچه‌اش به زیبایی روایت کند. در این فیلم هم زنان نقش اصلی را به عهده دارند. چه کسی واقعه عاشورا را ماندگار کرد؟ ما همیشه درباره حضرت عباس(ع)، امام حسین(ع) و علی‌اکبر(ع) صحبت می‌کنیم، اما درباره شخصیت زنی چون بانو زینب(س) کمتر صحبت کردیم. در این فیلم چون امکان نشان‌دادن بانو زینب(س) نیست، سلما را نشان می‌دهیم که نماینده‌ای برای بانوست. اینجاست که قهرمان اصلی جنگ خود بانو زینب(س) است. سلما نماینده تفکر و شخصیتی است که این فیلم بیان می‌کند. اولین بار که فیلم‌نام «پس از واقعه» را داشت، می‌خواستیم یادآور روز واقعه و تأثیرش باشیم اما این از زیرکی آقای یاری بود که تبدیل به شور عاشقی

برش

کار در تیغ آفتاب برای امام حسین(ع)

اولین سکانس آمدن کاروان اسرا بود که می‌خواستیم فیلمبرداری کنیم؛ یعنی باید از بالا- از سمت خط افق- فیلمبرداری می‌کردیم و پایین می‌آمدیم و بچه‌ها آمده بودند و مقدمات آماده بود. به یکباره دیدم چادر کوچکی زدند و کولر و پنکه آوردند. ما ۱۵ تیر وسط تیغ آفتاب بودیم و به خودم گفتم چطور می‌توانی با این شرایط فیلمبرداری کنی؟ تو مگر آرزو نداشتی یک روز کاروان اسرای کربلا را در فیلمت نشان دهی؟ پس از آن بچه‌های تدارکات گفتند تاکسی آوردند تا داخل آن خنک شوم و بتوانم فیلمبرداری را ادامه دهم، اما قبول نکردم و گفتم هرچقدر این آفتاب رویم بتابد حالم قشنگ‌تر است، بگذارید با احترام به این کاروان نگاه کنم، اما وقتی به خودم آمدم متوجه شدم تازه این تصمیم را گرفتم و فریدون شیردل، فیلمبردار و فرخ فدایی، صدابردارمان چهار ساعت زودتر چنین تصمیمی گرفته بودند. ما با این روحیه به میدان آمدیم و نمی‌خواستیم در روند تهیه فیلم قلکی به‌نام امام حسین(ع) بسازیم و بودجه فاخر را داخل آن بریزیم و بعد هم به کمک جلوه‌های ویژه اسبی را چپه کنیم و جایی را آتش بزنیم.



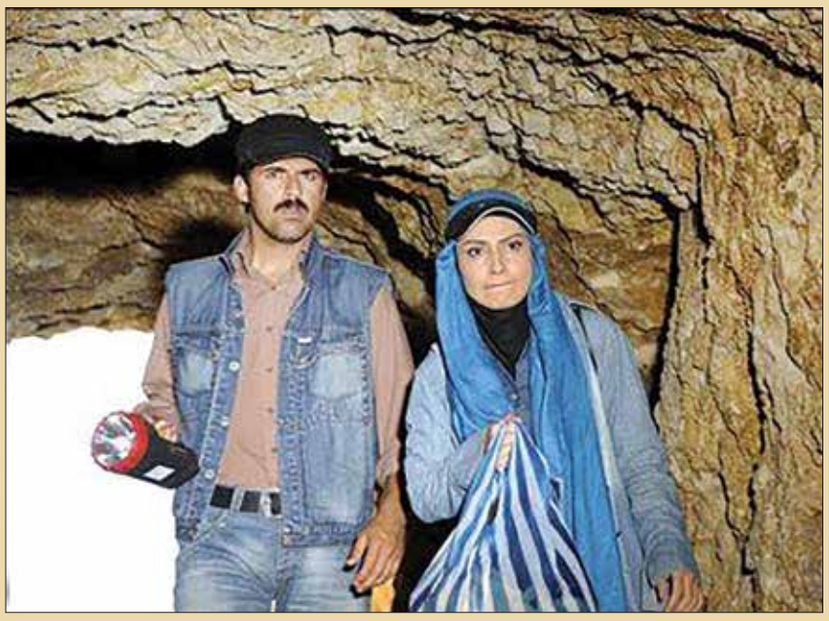
مهدی زمین‌پرداز
در گفت‌وگو با «جام جم»:

واقعه عاشورا را زنان معنا بخشیدند

مهدی زمین‌پرداز، بازیگر نقش عبدالرحمان فیلم «شور عاشقی» در کارنامه هنری خود بیشترین همکاری را با محمد حسین مهدویان ثبت کرده و نقش‌های متعددی در فیلم‌های تاریخ معاصر به عهده داشته است. طول و عرض نقش هیچ‌گاه برای این بازیگر اهمیت نداشته و بیشتر نقش‌هایش مکمل بوده و چند سالی است که در نقش‌های اصلی هم ظاهر می‌شود و به‌خوبی تأثیر خود را روی مخاطب می‌گذارد. او در رابطه با همکاری با فیلم شور عاشقی و داریوش یاری یادآوری کرد این فیلم را با دلش بازی کرده است.

شما هم تجربه کار در فیلم‌های تاریخ معاصر با فضای ملتهب امنیتی و اجتماعی را دارید و هم فیلم‌هایی مثل شور عاشقی که به مصائب اهل‌بیت امام حسین(ع) بعد از واقعه عاشورا می‌پردازند. تجربه

قاب



«مرد نمکی» به موزه سینما رسید

در ادامه نمایش‌های ویژه فیلم‌های مستند در موزه سینما تحت عنوان «شب‌های مستند» با مشارکت انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند، فیلم «مرد نمکی» روی پرده سالن فردوس موزه سینما می‌رود. همچنین در نشست شب‌های مستند که روز دوشنبه اول مرداد ساعت ۱۷ برگزار می‌شود مرتضی شاملی سازنده اثر و ارد عطارپور مستندساز درباره فیلم صحبت خواهند کرد. مرد نمکی درباره کشف ناگهانی جسدی مومیایی شده متعلق به قبل از اسلام است که در معدن نمکی در زنجان پیدا شد.

رویداد



پیچیدن عطر «بوی سیب» در برج آزادی

نمایش «بوی سیب» نوشته زنده یاد ابراهیم کریمی هسنیجه به کارگردانی وجیهه کریمی هسنیجه در دهه دوم محرم در سالن اصلی برج آزادی هرشب به غیر از شنبه‌ها، ساعت ۱۹ روی صحنه می‌رود. محمدحسین صفری و هلما دیانتی بازیگران این نمایش و وحید هوشیانی آهنگسازی بوی سیب را برعهده دارد. نمایشنامه این اثر از مجموعه «چهارده درام عترت» پیشتر توسط نشر «رُخدیس» به چاپ رسیده است.

قصه در این نمایشنامه عاشورایی، قصه خلقت است و تقابل همیشگی حق و باطل، نور و تاریکی. این اثر کاری از گروه نمایش «دو چوب و یک سنگ» است که با همکاری موسسه «اندیشه مهر رخدیس» به حضرت رقیه خاتون(س) دخترک سه ساله امام حسین(ع) تقدیم می‌شود. نوازندگان و گروه موسیقی: وحید هوشیانی، سینا فرزادی‌پور، محدثه سوزنده، دستیار کارگردان: علی فرجام، دستیار صحنه: رسول دیانتی، دستیار نور: فاطمه افرازه، لوگوتایپ: استاد حمید عجمی، پوستر: محسن کریمی هسنیجه، دوخت لباس: فرحناز آتش‌دامن، عکاس: نسرین یگانه‌زاد دیگر عوامل این اثر نمایشی هستند.

کتاب



حکایتی جدید از «قصه فرماندهان»

«والعصر بخوان» تازه‌ترین جلد از مجموعه «قصه فرماندهان» به قلم الهام طاوسی در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسید. این اثر براساس زندگی سردار شهید اکبر آقابابایی به نویسندگی الهام طاوسی به بیان داستان‌هایی کوتاه از زندگی شهید حاج اکبر آقابابایی می‌پردازد. شهید حاج اکبر آقابابایی، از فرماندهان شاخص سپاه پاسداران و مرد شماره یک عملیات کرکوک بود که سال ۱۳۷۵ به علت عوارض شیمیایی ناشی از جنگ تحمیلی به کاروان شهدا پیوست. دوستانش او را اعجوبه‌ای می‌دانستند که در قلب کردستان فرماندهی می‌کرد. والعصر بخوان، روایت‌هایی از ازدواج و زندگی خانوادگی شهید است که بیشتر آنها برگرفته از خاطراتی است که دوستان و همرزمان او به فراخور زمان در کتاب‌هایی که از قبل چاپ شده، بیان کرده‌اند. امتیاز این کتاب، روایت داستان‌هایی است که هنوز مخاطبی نشنیده و در کتابی نیامده است. در بخشی از کتاب آمده است: آخر سر هم سرش را می‌آورد دم گوشم و سوره والعصر را با آن لحن زیبایش می‌خواند و می‌گفت: «هروقت دلت گرفت، سوره والعصر بخون!»